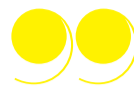


باید نوسان‌گیری ارزی نکند! امنیت سرمایه هر آنکس خواهد،

شوخی با اقتدار مرزی نکند! شورش نکند! سلاح ورزی نکند!

امین شفیعی - شاعر



به مناسبت روز ادبیات کودک و نوجوان

کتاب کودک را به آنتونی بسپار

بهزاد توفیق فر
طنزپرداز

آیا فکر می‌کنید نون در کتاب کودک است؟ می‌خواهید کتاب کودک طنز منتشر کنید؟ دلتان فروش بالا و چاپ چندم می‌خواهد؟ از شمارگان سه رقمی بیزارید و نگاه‌تان به تیراژ پنج رقمی است؟ درست آمده‌اید. همین الان در کوتاه‌ترین روش به شما می‌گوییم چطور!

وان - در پاساژهای اطراف میدان انقلاب، آن مغازه کوچک‌تره زیرزمین، کلی کتاب توی صندوق ریخته که فارسی نیستند. چندتا نازکش را انتخاب کنید و بیاورید. موضوع کتاب مهم نیست، زبانش هم همینطور. توو - درست است که توی صندوق بود ولی باید پولش را بدهید. همینطور راه افتادید دارید می‌آیید؟

تیری - از گوگل ترنسلیت استفاده کنید. یادتان باشد دکمه ترنسلیت را بزنی و گرنه گوگل فقط توجه می‌کند.

فور - متن به دست آمده کتاب کودک شما خواهد بود. تلاش کنید از موضوع کتاب سردر بیاورید.

فایو - ول کنید.

سیکس - حالا اندازه هفت - هشت تا تصویر کارتون‌ی پیدا کنید و لایه لای متن بگذارید. اگر تصاویر کارتون‌ی مثل سوپرمن و سیندرلا و بن‌تن و اینها باشد بهتر است. اگر فرشته بالدار و چوب جادو هم داشته باشد که دیگر عالی است. حتی می‌توانید عکس‌های کارتون‌ی فیلم‌های سینمایی مثل مستربین یا لورل هاردی را استفاده کنید. مواظب باشید که ربطش اصلاً مهم نیست.

سون - حالا یک اسم جذاب برایش بگذارید مثلاً «می می میره میشینه» یا «کاردی کاردی کدو حلواپی». اگر اسم کتاب‌تان خلاف هنجارها و ادب باشد جذاب‌تر است مثل: «تف کن تو صورت همسایه» یا «دست و دماغت دوست هم».

ایت - از گذاشتن اسامی مانند «نی نی دوده، دل و روده» یا «خشم آراگون در میانه شب یخندان غار وحشت» خودداری کنید. این اسامی مال کتاب‌های ژانر وحشت کودکان است، مال طنز کودک‌کان نیست. ناین - قیمت پشت جلد را ده برابر معمول بگذارید. در عوض یک جینگیلی مینگیلی چیزی به کتاب آویزان کنید مثلاً کارد و چنگال، عروسک تینازاروس قاتل، فرچه توالف فرنگی و...

تن - حتماً کتاب را سلفون بپیچید و زبان بزنید. اگر هزینه چاپ ایکس تومن شده، برای این سوسول بازی‌ها باید ایکس ضربدر دو هزینه کنید.

تیریک می‌گوییم. شما اولین کتاب طنز کودک خود را با منتشر کردید. حالا باید کت و شلوار بپوشید و به مدرسه‌های غیردولتی و مهدکودک‌های بالای شهر بروید و کتاب‌تان را پرزنت کنید. کراوات، یک بسته شکلات تلخ و چندجمله‌ای از رابینسون کروزوئه یادتان نرود. خب حالا! همون آنتونی رابینز.

سلاح‌ورزی، رئیس پرونده‌دار و غیرقانونی اتاق بازرگانی، در همایش امنیت سرمایه‌گذاری سخنرانی کرد! - جراید



پس از دریافت گزارش‌ها و اسناد متعدد مبنی بر انجام و تحریک به اقدامات تروریستی در خاک کشوری دیگر، توسط گروهک مجاهدین خلق (البته خودشان هم در خانه، یکدیگر را منافقین صدا می‌زنند) که در خاک آلبانی صورت می‌گرفت، سرانجام در روز سه‌شنبه، بیستم ژوئن ۲۰۲۳، عملیات تصرف کمپ این گروهک با نفرات و تجهیزات بی‌شمار و سنگین آغاز شد.

در همین ابتدای گزارش اعتراف می‌کنیم که بعد از تصرف کمپ، متوجه شدیم با یک سوم آن نفرات و تجهیزات هم می‌شد این عملیات را انجام داد و ما اسراف کردیم، لذا تقاضا می‌شود هفت روز مرخصی تشویقی برای نیروهایی که آن‌روز هلیک و هلیک آن همه راه را بیخودی تا آنجا آمدند، لحاظ بفرمایید تا از دل‌شان در بیاید.

پس از رسیدن به در اردوگاه موسوم به اشرف ۳، طبق پیش‌بینی با مقاومت اعضای این گروهک مواجه شدیم. البته مقاومت‌شان مطابق پیش‌بینی ما سنگین نبود و با یک تشر مأموران ما، مقاومت ساکنین کمپ در هم نشکست، بلکه در هم پودر شد.

طبق مشاهدات میدانی، اعضای این گروهک به علت کوهلت شدید و ترسناک سن، بسیار پوک و شکننده بودند و تعداد زیادی از آنها فقط با اصابت پاد پوتین‌های مأمورین، دچار شکستگی استخوان شدند، لذا در جریان باشید که اگر نامبردگان ادعای غرامت کردند، ادعایشان دروغ بوده و مأمورین ما فقط دو نفر را کتک زدند و باقی مصدومان خودشان از ترس دچار آسیب‌های جسمی و گوارشی شدند و پلیس آلبانی رسماً در این زمینه از خود رفع مسئولیت می‌کند.

ضمن این گزارش به استحضار می‌رسانیم که پوشک‌های بزرگسالان تولیدی در آلبانی بسیار نامرغوب بوده و اصلاً جاذب رطوبت نیستند.

ما این موضوع را در مواجهه با اعضای گروهک منافقین که مثل چی ترسیده بودند دیدیم و از مسئولین تقاضای رسیدگی به کیفیت پوشک‌های آلبانیایی را داریم.

در همین راستا با توجه به اینکه ناچار به دستگیری تعدادی از اعضای کمپ شدیم، خواهشمند است نسبت به تهیه و ارسال هرچه سریع‌تر پوشک مرغوب بزرگسالان به تعداد بالا اقدام شود تا در روزهای آتی از این جهت دچار بحران نشویم.

نکته دیگر اینکه تعداد زیادی از مأمورین ما هنگام دیدن اعضای گروهک مذکور دچار افسردگی و یأس شدید شده‌اند، چراکه دیدن این سطح از چروکیدگی و کوهلت سن و همچنین این مقدار دربه‌دری، روح و روان مأمورین ما را دچار آسیب‌های جدی کرده است.

بنابراین تقاضا می‌شود هماهنگی‌های لازم برای معرفی مأمورین مذکور به یک روانشناس خبره و باتجربه انجام شود.

در نتیجه عملیات مذکور تجهیزات کامپیوتری موجود در کمپ ضبط و بررسی شد و مطابق گزارش‌های واصله حجم انبوهی محتوای تحریک‌کننده اقدامات تروریستی کشف شد.

علاوه بر محتوای تروریستی، محتواهای دیگری هم بدست آمد که حقیقتاً روی‌مان نمی‌شود در گزارش قید کنیم، اما پیشنهاد می‌کنیم بررسی محتواهای موجود در کامپیوترها را به دست یک آدم چشم و دل‌سیر و مطمئن بسپارید. گلاب به روی‌تان، مستندات شرم‌آور پرونده به پیوست ارسال می‌شود.

صف عیدی

فرشته پناهی
طنزپرداز

خدایا شکر سید آفریدی
و آلا می‌گرفتم از که عیدی؟؟!
دمش گرم و دلش خوش باد سید
همیشه باد قلبش شاد سید
الهی جیب او باشد پر از پول
وریل زندگی‌اش صاف و شاوغل
بده برکت به اموالش خدایا
که گیریم عیدی بسیار از او ما
شده عید غدیر الله‌اکبر!
بدو توی صف عیدی برادر
شده طی ماه‌ها چشم انتظاری
برای سور و ساتش بی‌قراری
رسیده عیدی از دیوار؛ از در
بدو با پا، نشد با مغز با سر!
برو وقت سحر دیدار سادات
ارادت را چنین بنمای اثبات
بزن لبخند و جا کن هی خودت را
بزن خانه به خانه دل به دریا
برای عرض حاجت پیش سادات
بکن با غیر ایشان زودتر کات
شده عید غدیر و شکر شادیم
تلپ در بزم مهمانی فتادیم!

دیالوگ حدسی

تصویری از شورش‌های فرانسه:
پاشو می‌خوام جارو کنم
- حسش نی
فرشته پناهی
محمد کوره پز
پلیس: عزیزم پاشو اینجا جای خوابیدن نیست
مرد سفید: نه... اینجا جای فرش لکه شده رو اعصابه
باید پاکش کنم
پاشو سید جون، پاشو عیدی ما رو بده
- بذار این میله رو بکوبیم تو سرت تا بفهمی شش
صبح وقت عیدی گرفتن نیست.
مرضیه سادات آل ایوب
علیرضا عیدی
پاشو لنگ ظهره.
- مَشتی هنوز ساعت هفت و نیم صبحه. ولمون کن
علیرضا عیدی



آتش زدن به مالم

سامره حبیبی
شاعر

دیدم دوباره بستنی بار دودور ددر را
کاری مگر نداری کردی کچل سفر را
خوردی خودت کباب و دادی به من زبانه
دود از سرم بلند است سوزانده‌ای جگر را
میخ محبتت را در قلب من چپاندی
این رسم دوستی نیست درآوری پدر را
موی دماغ و روی اعصاب باغ بودن
به به چه پنجه‌هایی در کرده‌ای هنر را
آیم شده گل آلود پیرم نموده‌ای زود
تا کی دهی ادامه این کار شور و شر را
من یار مهربانم افتاده‌ای به جانم؟
برگام ریخت از بس آورده‌ای تبر را
آتش زنن به حالم من جنگل شمالم
روشن نکن مرتب کبریت بی‌خطر را